

## قطعه نامه دربارهٔ اوضاع سیاسی و وظایف ما

از کنگره ی دوم تاکنون، جامعه ما دستخوش تحولات مهمی شده است. حوادث و رخدادهای سیاسی با شتاب ویژه ای سیمای جامعه ما را دگرگون ساخته اند. شاخص اصلی تحولات دو سال گذشته، رویداد دوم خرداد و پیامدهای آن است.

۱- انتخابات دوم خرداد نقطه ی عطفی در حیات سیاسی جامعه ما و در توازن قوای مابین مردم و حکومت و تغییر تعادل جناح های درونی رژیم بود. تا پیش از دوم خرداد، به استثنای مبارزه ی نویسندگان و دانشجویان، جنبش اعتراضی کارگران و دیگر جنبش های اجتماعی، عمدتاً انفجاری، پراکنده و فاقد خصلت تداوم بود.

۲- مشخصه ی این تحول، شناخت مردم از نیروی متحد خویش و شناخت راه های جدید ضربه زدن به حکومت یعنی استفاده از شکاف درونی رژیم و امکانات قانونی ایجاد شده بود. در این حرکت مردم دانستند که می توانند تحت شرایطی در یک انتخابات ضددمکراتیک نیز خواست خود را به حکومت تحمیل کنند.

۳- در جریان انتخابات دوم خرداد، برای نخستین بار در حیات جمهوری اسلامی، حداقل خواست های آزادیخواهانه مردم با شعار انتخاباتی جناحی از حکومت همسو گردید و در فقدان تشکل های مستقل توده ای و در غیاب احزاب و سازمان های سیاسی (جدا از دستجات حکومتی)، خاتمی بمتابسه ی ابزار و وسیله ای برای ابراز مخالفت مردم، آرا میلیونی آنان را به خود اختصاص داد.

۴- رای مردم به خاتمی، نه توهم آنان به او و شعارهایش، بلکه در کلیت آن، رای "نه" به وضعیت موجود و جناح قدرتمند حکومت بود.

۵- جناح خامنه ای- بازار که هم اکنون نیز قدرت فائقه را در جمهوری اسلامی دارد، مخالف هر گونه اصلاح و تغییری در وضعیت سیاسی موجود، و در صدد تشدید هر چه بیشتر سرکوب و اختناق در جامعه می باشد. این جناح، آماج وسیع ترین اعتراضات و مبارزات توده های مردم قرار دارد.

۶- جناح خاتمی که هم اکنون قوه ی مجریه را در دست دارد، حفظ نظام و بقا حکومت را در پاره ای اصلاحات سیاسی جستجو می کند و بر آن است که تحت عنوان "توسعه ی سیاسی"، "قانون گرایی" و "جامعه مدنی" تغییراتی جزئی را در ساختار سیاسی حکومت در چارچوب قانون اساسی بوجود بیاورد. در این شرایط چگونگی ساختار حکومت، چگونگی مقابله با جنبش توده ای، و آینده حکومت به موضوع اصلی درگیری ها مبدل شده و تضاد جناح ها را تعمیق بیشتر داده است.

رشد مبارزه ی مردم که هدف نفی حکومت مذهبی را در چشم انداز خود دارد، از چهارچوب محدود به وعده های خاتمی فراتر خواهد رفت.

۷- تشدید تضادهای درونی حکومت و رشد مبارزات مردم در شرایط بعد از دوم خرداد، وضعیت ناپایداری را در جامعه ایجاد کرده است که در آن مردم در موقعیت بهتر و رژیم در وضعیت ضعیف تری نسبت به گذشته قرار گرفته اند.

۸- در شرایط حاضر در مبارزه علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی، در عین افشای تلاش های خاتمی برای حفظ چارچوب رژیم، نوک تیز حمله ما متوجه ولایت فقیه (جناح خامنه ای- بازار) است.

۹- مبارزه برای رفرم نه تنها مغایرتی با مبارزه برای سرنگونی رژیم ندارد، بلکه در خدمت این هدف نیز قرار دارد.

از این رو ما از مبارزات جاری مردم برای اصلاحات پشتیبانی می کنیم.

۱۰- وظیفه ما، کوشش برای سازماندهی جنبش های اعتراضی و تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل توده ای کارگران، زنان، دانشجویان، جوانان و... حول خواست ها و مطالبات شان و تشدید مبارزه برای ایجاد یک آلترناتیو انقلابی- دمکراتیک جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برای آزادی و دمکراسی می باشد.